(مقالهٔ مروری)

چالش‌ها و راهکارهای اخلاقی پلیس در مدیریت ازدحام‌های اعتراض‌آمیز

علی کریمی‌خوزانی[1]، دکتر غلامرضا غفاری[2]، دکتر فاطمه عزیزآبادی فراهانی[1*]

1. گروه مدیریت و برنامه‌ریزی فرهنگی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات، تهران، ایران

2. گروه علوم اجتماعی، دانشگاه تهران، ایران

(تاریخ دریافت: 95/9/20، تاریخ پذیرش: 95/12/2)

چکیده

زمینه: توجه به اخلاق‌مداری پلیس موضوع جدیدی نیست که تاکنون مورد توجه قرار نگرفته و یا سابقه‌ای نداشته باشد. این موضوع سال‌ها است که مورد توجه سازمان‌های پلیسی در سراسر دنیا و نیز پلیس در جمهوری اسلامی ایران است. در این بین یکی از چالش برانگیزترین مأموریت‌های پلیس از حیث توجه به مباحث اخلاقی، حفظ نظم در مدیریت و کنترل ازدحاماتی است که با هدف اعتراضی تشکیل شده است. به همین منظور، این مقاله مطالعه و بررسی چالش‌ها و راهکارهای اخلاقی پلیس در مدیریت اغتشاشات و ازدحامات اعتراض‌آمیز را مورد توجه قرار داده است.

نتیجه‌گیری: با بررسی چالش‌ها و ابهامات فلسفی-نظری، قانونی و مدیریتی-اجرایی مشخص شد یکی از راه‌های ترویج اخلاق در سازمان تدوین خط‌مش‌های اخلاقی است. بنابراین به منظور مواجه با این چالش‌ها در سازمان پلیس، مواردی پیشنهاد شده است که می‌تواند در طرح‌ریزی‌ها و برنامه‌ریزی‌های عملیاتی مورد توجه باشد و یا اینکه در قالب گزاره‌های اخلاقی در اسناد اخلاقی پلیس مورد استفاده قرار گیرند.

کلیدواژگان: *پلیس، اخلاق، اخلاق پلیسی، ازدحام، ازدحام اعتراض‌آمیز*

سرآغاز

توجه به اخلاق‌مداری پلیس موضوع جدیدی نیست که تاکنون مورد توجه قرار نگرفته و یا سابقه‌ای نداشته باشد؛ توجه به موضوع اخلاق[1] سال‌ها است که مورد توجه سازمان‌های پلیسی در سراسر دنیاست (1). در این بین اخلاق‌مداری پلیس در جمهوری اسلامی ایران که مبتنی بر آموزه‌های اسلامی به فعالیت و خدمات به مردم مشغول است نیز مورد توجه است (2). ولی ویژگی خاص ماموریت پلیس، چالش‌های اخلاقی را متوجه این سازمان می‌کند که از مهم‌ترین آنها ماموریت حفظ و کنترل نظم در ازدحامات اعتراض‌آمیز است. واکنش پلیس به ازدحامات اعتراض‌آمیز[2] اغلب منجر به انتقاد از پلیس شده است؛ از یک‌طرف مورد انتقاد هستند که در اجرای قانون سهل‌انگاری کرده به نحوی که موقعیت‌های اغتشاش‌گرایانه را موجب شده‌اند و از طرف دیگر متهم می‌شوند که به دلیل برخورد محدودگرایانه، ناقض حقوق شهروندان در اعتراضات مدنی بوده‌اند (3). به همین دلیل تصمیمات مرتبط با مدیریت و کنترل ازدحامات اعتراض‌آمیز اگرچه به حرفه پلیس مربوط بوده ولی یک امر درون سازمانی محسوب نمی‌شود؛ چنین تصمیماتی به این دلیل که به طور مستقیم در جامعه تاثیرگذار است، امر عمومی بوده و در نتیجه چالش‌های مرتبط با آن از حساسیت دو چندانی برخوردار است؛ به‌طوری‌که برخی از رفتارهای پلیس می‌تواند رشد اخلاقی جامعه را مختل کرده و به مثابه مانع رشد عمل نماید (4). این امر به این دلیل اهمیت دارد که اخلاق اجتماعی در نهایت بر وجوه مختلف امنیت همچون امنیت اجتماعی و امنیت عمومی نیز تأثیرگذار است (5). به همین دلیل مطالعه و بررسی چالش‌های اخلاق پلیس در مدیریت و کنترل ازدحامات اعتراض‌آمیز به‌عنوان طرح مسأله می‌تواند موجبات ارتقاء اخلاق‌مداری پلیس با تاثیرات قابل توجه در کلیت عملکرد اجتماع و در نهایت امنیت باشد. به همین منظور در این مقاله

* نویسنده مسؤول: نشانی الکترونیکی: f_farahany @ yahoo.com

[Downloaded from www.ethicsjournal.ir on 2026-10-30]

[DOR: 20.1001.1.22517634.1397.13.1.2.4]

ابهامات، چالش‌ها و راهکارهای اخلاقی پلیس در کنترل ازدحامات اعتراض‌آمیز از سه منظر نظری، قانونی و عملی مطالعه و بررسی شده است.

ابهامات و چالش‌های فلسفی- نظری

در ابهامات و چالش‌های نظری، تفاوت ازدحام‌کنندگان با سایر مجرمان و چالش این نوع نگاه در کار پلیس بررسی شده است؛ در ادامه تفاوت دیدگاه‌های اخلاقی در سازمان پلیس مورد بررسی قرار گرفته که از دو دیدگاه متفاوت اخلاق‌مداری سرچشمه می‌گیرد؛ دو نگاه متفاوت به اخلاق که نتایج متفاوتی را در سازمان پلیس موجب می‌شود.

تفاوت ازدحام‌کنندگان با سایر مجرمان

بحث تامین نظم عمومی[3] با نوعی ابهام اخلاقی مواجه است که مبحث مقابله با جرایم از ابتدا فاقد این ابهام بوده است. در جامعه اخلاقی به جرم و مجرم به دید ضداخلاقی و غیرارزشی نگریسته می‌شود در حالی که معترضین، تشویق‌کنندگان به اعتصاب و حتی آشوبگران، در دید عموم از حقوق برابر با سایر شهروندان برخوردارند. تفاوت مجرمین و ازدحام‌کنندگان معترض در این است که اعتراض یک اقدام مباح و علنی شهروندی است. معترضین نه تنها از تجاوز به حریم اخلاقی جامعه مبرا هستند که خود در زمره افراد پایبند به ارزش‌های اخلاقی[4] هستند اگرچه شاید در مواردی هم دچار اشتباه شده باشند. ازدحام‌کنندگان معترض به دنبال اهداف مذموم شخصی نیستند آنها حتی در مواردی هم که پیگیر اهداف به نسبت شخصی مثلا افزایش دستمزد هستند، به نمایندگی از طرف جمع و برای احقاق حقوق دیگران تلاش می‌کنند؛ در نتیجه به طور معمول خواسته‌های معترضین قابل دفاع است اگر چه شاید ابزار انتخابی برای دسترسی به آن اهداف موجب نقض قوانین کیفری گردد (6). حال سئوالی که در اینجا مطرح می‌شود این است که آیا متوسل شدن معترضین به خشونت برای دستیابی به یک هدف پذیرفته شده اخلاقی بیشتر قابل نکوهش یا سرزنش است یا متوسل شدن پلیس به زور برای پراکنده کردن افرادی که به صورت آرام و در دفاع از یک فعل پذیرفته شده اخلاقی ازدحام می‌کنند؟ ابهامی که در تأمین نظم عمومی وجود دارد همین جاست. بر خلاف توجیه معمول و رایج پلیس، تامین نظم عمومی تنها تامین امنیت و نظم نیست بلکه تامین نوع خاصی از نظم و امنیت است. پلیس نمی‌تواند همواره همان‌طوری که در بسیاری از اظهارات عمومی خود بیان می‌دارند، زیر چتر این ادعا که پلیس فقط مجری قانون است پناه بگیرد زیرا در این صورت اگر قانون خود غیرعادلانه باشد و یا بر بی‌عدالتی صحه بگذارد، اجرای آن مساله‌دار خواهد بود (6). با توجه به این مطلب راهکاری که برای برون از این معضل پیش‌روی پلیس قرار دارد این است که پلیس نیز همانند افراد جامعه باید بین ازدحام‌کنندگان معترض با سایر مجرمین تفاوت قائل شود. از دیدگاه پلیس‌اخلاق‌مدار، ازدحام‌کنندگان معترض اگرچه نقض‌کنندگان قانون و عامل بی‌نظمی هستند ولیکن در اتخاذ رویکردهای کنترل و مقابله[5]، می‌بایست با نگاه متفاوت از سایر مجرمین با آنها روبه‌رو شد. این نگاه متفاوت باید در سیاست‌ها و برنامه‌ریزی‌های اجرایی پلیس به طور شفاف مکتوب شده و در آموزش‌های سازمانی مورد توجه باشد.

چالش اولویت داشتن آرمان برتر و یا تأکید بر روش‌های عادلانه

در خصوص این موضوع که پلیس در مواجه و برخورد با ازدحامات اعتراض‌آمیز باید چگونه عمل کند مبتنی بر دیدگاه اخلاقی ماموران که برگرفته از دیدگاه آرمان برتر[6] و یا دیدگاه روش‌های عادلانه است تفاوت نظر وجود دارد. در دیدگاه آرمان برتر که از نتیجه‌گرایی[7] نشات می‌گیرد تفکر افراد دربارهٔ ارزش‌ها در واقع بر اساس آرمان‌هایی است که دنبال می‌کنند. تعهد به آرمان برتر سبب می‌شود که پذیرفته شود برخی از اهداف، آن قدر مهم هستند که هر راهی برای رسیدن به آن مجاز است (7). به عبارت دیگر هدف وسیله را توجیه می‌کند (8). اگر پلیس باور داشته باشد که کار آنها، هدفی بر حق و عادلانه است؛ بنابراین مقرراتی که مانع کار آنها می‌شود را غیراخلاقی تلقی خواهند کرد و ماموران ممکن است قوانین سازمان را دور بزنند تا کاری که به درستی آن باور دارند را انجام دهند (7). منطبق با این

[Downloaded from www.ethicsjournal.ir on 2026-10-30]

[DOR: 20.1001.1.22517634.1397.13.1.2.4]

دیدگاه شکنجه، اعمال زور و یا حتی فریب به عنوان عملی پذیرفته شده از نظر اخلاقی مورد استفاده قرار می‌گیرند اگر پایان‌های خوب را افزایش دهند (9). در خصوص موضوع بحث که مدیریت و کنترل ازدحامات اعتراض‌آمیز است، ماموارنی که به این دیدگاه اعتقاد دارند به فعالیت اطلاعاتی و مخفی و نیز بهره‌گیری از شگردهای عملیات روانی که بعضا از نظر اخلاقی دارای اشکال هستند به عنوان ضرورت اخلاقی برای اجرای وظایف ذاتی پلیس در کنترل نظم و انضباط در جامعه معتقد هستند. مورد دیگری که منطبق با این دیدگاه در برخی تحقیقات به آن اشاره شده این است که این دیدگاه به رویکرد حدصفر بردباری پلیس[8] منجر شده است؛ رویکردی که دخالت سخت‌گیرانه پلیس را در مورد بی‌نظمی‌های جزئی یا دیگر جرایم کوچک موجب می‌شود (7). در دیدگاه افراطی‌تر، داشتن پیش‌فرض گناهکاری و یا عوضی نامیدن ناقضین نظم عمومی است؛ داشتن چنین نگاهی به طرف رودروی پلیس به طور معمول واکنش‌های خشونت‌طلبانه‌ای[9] پلیس را موجب می‌شود (7). مهمترین انتقادی که به این دیدگاه وجود دارد این است اگر مامورین پلیس بخواهند برای دستیابی به نتیجه مورد نظر به هر اقدامی دست زنند و از هر وسیله ممکن استفاده نمایند، شخص خود و حرفه مربوط را به فساد می‌کشند. اساس اخلاق یعنی انجام کار درست از راه درست و در وقت درست؛ و مسلما رفتارهای مشخصی غیراخلاقی هستند و ارتکاب آنها، اصول اخلاق را تخریب می‌کند (8). به همین دلیل در نگاه متفاوت با دیدگاه آرمان‌برتر، دیدگاه روش‌های عادلانه مطرح شده است. این دیدگاه که در برخی تحقیقات وظیفه‌گرا[10] نامیده می‌شوند فقط با عمل مورد قضاوت، سروکار دارند. به این معنا که اگر عملی ذاتا خوب است، حتی اگر نتایج بدی هم داشته باشد؛ همچنان خوب تلقی خواهد شد (7). وظیفه‌گرایی به مقوله عامی از نظرات اخلاقی گفته می‌شود که عمل درست را بر اساس وظایف و قواعد اخلاقی تعریف می‌کنند (10). معمولا در قوانین و مقررات و نیز در تهیه آئین‌نامه‌های اخلاقی پلیس این دیدگاه مورد توجه است (11). محترم شمردن دیگران و برخورد منصفانه با آنان، راستگویی و وفای به عهد و پیمان از مصادیق این دیدگاه هستند (8) . در خصوص انتقادی که به این دیدگاه برخی محققین ذکر می‌کنند، این است که تعهد به این دیدگاه در انجام وظایف، در راس تناقضی پنهان با دغدغهٔ کارآمدی قرار می‌گیرد که اغلب در نهادهای پلیس و مطالبات جامعه ظهور می‌کند(7). راهکار رفع این چالش برخورداری از نگرش ترکیبی مابین این دو دیدگاه است پلیس باید به آرمان برتر باور داشته باشد؛ اما در عین حال متعادل نیز باشد چرا که روش‌های عادلانه برای پلیس مهم است. ترکیب آرمان برتر و روش‌های عادلانه، نشانگر باور پلیس به روشی متعادل و عاقلانه در کار پلیسی است (7). در خصوص کاربرد دیدگاه مبتنی بر نگرش ترکیبی در مدیریت و کنترل ازدحامات اعتراض‌آمیز می‌توان گفت پلیس با داشتن دیدگاه نتیجه‌گرایانه و به منظور حصول به نتایجی که از کارکرد پلیس مورد انتظار است اقدامات خود را برنامه‌ریزی کرده ولی در مسیر تحقق این هدف که همان حفظ نظم در جامعه است از روش‌های عادلانه به عنوان ملاحظات حرفه‌ای مسئولیت اجتماعی غفلت نخواهد کرد.

ابهام و چالش قانونی

پیشتر قانون مدیریت بحران در مجلس شورای اسلامی تصویب شده که وظایف ساختارهای مرتبط و چارچوب‌های حقوقی را در شرایط وقوع بحران‌های طبیعی مانند سیل و زلزله مشخص کرده است، ولی هنوز قانون مدونی برای نظام‌مند کردن حدود وظایف ساختارهای انتظامی- نظامی در شرایط وقوع بحران‌های اجتماعی و امنیتی[11] و به تبع آن اغتشاشات و ازدحامات اعتراض‌آمیز مشخص نشده است (12). اگرچه سعی شده است برطبق دستورالعمل صادره از طرف شورای امنیت کشور و با مشخص کردن وضعیت نظم و امنیت در قالب وضعیت‌های چهارگانه‌ای این مشکل رفع شود (13)؛ در این دستورالعمل مشخص شده است که در سه وضعیت اول نیروی انتظامی سازمان برقرار کننده امنیت است (14)؛ ولی در وضعیت چهارم که وضعیت قرمز و بحرانی محسوب می‌شود، شوراهای تأمین با ریاست استاندار، فرماندار و بخشدار، به عنوان عالی‌ترین محل تصمیم‌گیری پیرامون مسایل امنیتی هر منطقه از تقسیمات کشوری می‌باشند و نیروی انتظامی نیز مؤظف است تا مصوبات آن را اجرا کرده و مراتب را به موقع منعکس کند (15). در تائید

[Downloaded from www.ethicsjournal.ir on 2026-10-30]

[DOR: 20.1001.1.22517634.1397.13.1.2.4]

این امر در مادهٔ 39 قانون جرایم نیروهای مسلح گفته شده است که: هر یک از فرماندهان و مسؤلان نظامی یا انتظامی که حسب مورد، مصوبات شورای عالی امنیت ملی، شورای امنیت کشور و شوراهای تأمین استان یا شهرستان را در مواردی که طبق قانون موظف به اجرای آن می‌باشند، اجرا نکنند چنانچه مشمول مجازات محارب نباشند یا به موجب سایر قوانین مستوجب مجازات شدیدتری نگردند به حبس از شش ماه تا دو سال محکوم می‌شوند (16). لذا مهمترین چالش از منظر قانونی برای نیروی انتظامی این است که آیا نیروی انتظامی می‌تواند در انتخاب تاکتیک‌های مدیریتی در کنترل اغتشاشات و ازدحامات اعتراض‌آمیز، که به طور معمول از مصادیق وضعیت بحرانی هستند، تصمیم‌گیر باشد یا موظف به اجرای تصمیمات شورای تامین است. این مورد از این منظر اهمیت دارد که اگر پلیس حتی در انتخاب تاکتیک‌ها موظف به تبعیت از تصمیمات شورا باشد، عملا پلیس به یک سازمان فاقد اختیار تبدیل می‌شود در این حالت مباحث مربوط به اخلاق‌مداری به دلیل فقدان اختیار در انتخاب، با ابهامات جدی روبه‌رو خواهد شد. اگرچه می‌توان بر این اعتقاد بود که شورای تامین بر اساس گزارش‌ها و نظریات سازمان‌های تخصصی منجمله گزارشات نیروی انتظامی تصمیمات خود را اتخاذ می‌کنند و به نوعی می‌توان به این امر اشاره داشت که ردپای نیروی انتظامی در تصمیمات این شورا دیده می‌شود، با این حال در وضعیت فعلی چالش و ابهام جدی این امر کماکان به قوت خود باقی خواهد بود. این مشکل چالشی است که حل آن باید از طریق مجاری قانونی پیگیری شود. راهکار موقتی که برای رفع این چالش می‌تواند مورد استفاده پلیس باشد اطلاع‌رسانی محدودیت‌های اجرای قانون بوده تا مردم از محدودیت‌های نیروی انتظامی در این گونه مواقع مطلع گردند به همین منظور لازم است این عبارت در اطلاع‌رسانی‌های مختلف و گزارش‌های عملکرد منعکس شود که پلیس ملزم به رعایت مصوبات شورای تامین است. با تاکید بر این نکته و اطلاع‌رسانی معمول آن، به طور غیرمستقیم این نکته به جامعه منتقل می‌شود که همه تصمیمات و اقدامات در مدیریت و کنترل بحران‌های اجتماعی توسط خود پلیس تصمیم‌گیری نمی‌شود و بر این اساس نباید همیشه پلیس را پاسخگو و مسئول دانست.

ابهامات و چالش‌های مدیریتی - اجرایی

امروزه، واحدهای کنترل اغتشاشات اگرچه سعی می‌کنند با مدنظر قرار دادن رویکرد جامعه‌محوری، مولفه‌های مدیریتی جدیدی را برای کنترل و مدیریت اغتشاشات مورد توجه قرار دهند (17). ولی با این حال از جمله سنتی‌ترین واحدهای پلیس بوده که برخی اوقات با رویکردهای شبه نظامی به دنبال مدیریت و کنترل ازدحامات و اغتشاشات هستند. به طور حتم این نگاه، چالش‌های را برای پلیس به همراه دارد. در این قسمت چالش‌های که پلیس به صورت عملی در مدیریت و کنترل بحران‌های اجتماعی با آن درگیر است مانند استفاده از زور، استفاده از عملیات روانی و نیز استفاده از پلیس مخفی با توجه به ابهامات اخلاقی آنها مورد بحث و بررسی قرار گرفته است.

چالش استفاده از زور در کنترل بحران‌های اجتماعی

یکی از پرحاشیه‌ترین موارد مرتبط با انجام وظایف پلیس در خیابان، استفاده از زور برای کنترل امنیت و حفظ نظم در اجتماع است. به همین دلیل امروزه در فعالیت‌های روزمره پلیس سیاست‌ها و استانداردهای برای توسل به زور تعریف می‌شود که معمولا مورد نقد و بررسی گسترده نیز قرار می‌گیرند (18). در این میان توسل به زور در مقابل تظاهرات و ازدحاماتی که در فکر استفاده از زور نیستند و واکنش‌هایی صلح‌آمیز بروز می‌دهند (19). یکی از چالش‌های پلیس است. پلیس ممکن است از دیگر شهروندان بخواهد که از قانون تبعیت کنند ولی اگر آنها تبعیت نکنند می‌تواند آنها را به اطاعت قانون نماید. با این وجود اگر و هرگاه پلیس آشکارا از زور استفاده نماید مشروعیت مقبولیت عملکرد او قابل انتقاد و سئوال بوده و بعضا هم زیر سئوال می‌رود. در هیچ یک از جنبه‌های پلیسی این ابهام مانند حوزه تامین نظم عمومی هویدا و آشکار نیست زیرا هنگامی که پلیس با ازدحام‌کنندگان اعتراض‌آمیز و اغتشاشگران مقابله می‌کند نه تنها احتمال آسیب به آنها وجود دارد بلکه عوامل خود پلیس هم

[Downloaded from www.ethicsjournal.ir on 2026-10-30]

[DOR: 20.1001.1.22517634.1397.13.1.2.4]

در معرض خطر جدی قرار می‌گیرند (6). نکته دیگری که در این خصوص قابل ذکر است این می‌باشد که دخالت پلیس در کنترل وقایعی که ممکن است نظم عمومی را برهم بزنند، آنان را در تماس و مواجهه با شهروندانی قرار می‌دهد که از لحاظ سیاسی فعال و پر سر و صدا هستند. شاید پلیس تاثیری مستقیم بر علل ایجاد اعتراض نداشته باشد اما به هر حال بر روند اعتراض، اثرگذاری عمده‌ای خواهد داشت (20). وقتی هر گونه اعتراضی به شیوه پلیسی سرکوب شود این بیم می‌رود که اعتراض قانونی با تحریکات غیرقانونی‌ای که پلیس بیش از هر چیز از آنها هراس دارد در هم بیامیزد و واکنش مستقل و آزاد علیه اقدامات پلیسی سخت‌گیرانه را قوتی دو چندان بخشد. یعنی عملکرد پلیس در مراقبت از نظم عمومی ممکن است به تحریک منازعاتی بیانجامد که خود درصدد پیشگیری از آنهاست (20). همان‌طور که مطالعه ناآرامی‌های فرانسه، انگلستان و یا آمریکا نشان می‌دهد جرقهٔ ناآرامی جمعی به شکل عمده به دلیل اقدامات پلیس به وجود آمده است (21). پلیس به همین منظور همان‌طور که در جدول شمارهٔ (1) نشان داده شده است در واکنش به برخی از تظاهرات و ازدحامات رویکرد مدارا و مماشات را در پی می‌گیرد و اینکه اگر برخورد و مقابله در دستور کار قرار گیرد الگوی مرحله‌ای شدت عمل اقدامات قهری و نیز اصل تناسب با رعایت حداقل زور لازم را مورد توجه قرار می‌دهد.

جدول 1. راهکارهای پلیس در استفاده منطقی و اخلاقی از زور

وضعیت	راهکار	توضیح
در ابتدای شکل‌گیری ازدحام و در صورت مسالمت‌آمیز بودن اعتراض	رویکرد مدارا و مماشات	به این معنا که پلیس در صورت منطقی بودن دلایل ازدحام، با معترضان همدردی کرده و تا حد امکان با رفتارهای خشونت‌آمیز آنها مدارا می‌کند
در دستور قرار گرفتن مقابله و برخورد با ازدحام	الگوی مرحله‌ای شدت عمل	به این معنا که اقدامات قهری به ترتیب برحسب شدت از کم به شدید اجرا می‌شوند.
در صورت خشونت ازدحام‌کنندگان	اصل تناسب با رعایت حداقل زور لازم	به این معنا که قدرت مورد استفاده باید با میزان خشونت ازدحام‌کنندگان تناسب داشته باشد و به محض فروکش کردن متوقف شود

ابهامات اخلاقی در شیوه‌های عملیات روانی[12]

عملیات روانی از عرصه جنگ و نیروهای نظامی وارد عرصه مدیریت پلیسی در اجتماع شده است. دلیلی که پلیس استفاده از عملیات روانی را در مدیریت اغتشاشات و ازدحامات اعتراض‌آمیز مورد توجه قرار داده است، جایگزینی است که می‌تواند برای اعمال زور باشد؛ اعمال زور بر محبوبیت پلیس در بین مردم تاثیر نامطلوبی بر جای می‌نهد (22)، و در مواقعی باعث تشدید بحران می‌شود (23). نیروی انتظامی برای کنترل ازدحامات اعتراض‌آمیز در پی کشف و بهره‌گیری از روش‌هایی است که هم تاثیر منفی بر منزلت و وجههٔ اجتماعی آن نیرو بر جای نگذارد و هم ساده‌تر بتواند کنش‌های اعتراض‌آمیز را مهار کند (22). استفاده از روش‌هایی نظیر عملیات روانی می‌تواند نه تنها به عنوان روش کنترل، بلکه روش پیشگیری[13] از بروز ازدحامات اعتراض‌آمیز نیز مدنظر قرار گیرد (23). اما نکته‌ای که در بکارگیری عملیات روانی به آن کمتر توجه شده است این موضوع است که اگرچه عملیات روانی می‌تواند کارایی و اثربخشی مدیریت پلیس را در کنترل ازدحامات اعتراض‌آمیز ارتقاء دهد لاکن تاکتیک‌های مورد استفاده در عملیات روانی مواردی چون فریب، ارعاب و ... از منظر اخلاقی دارای ابهاماتی است که می‌تواند چهره پلیس را در بلندمدت و با مشخص شدن استفاده از چنین شیوه‌های خدشه‌دار کند. دیگر اینکه صبغهٔ نظامی عملیات روانی باعث می‌شود بیشتر در بحران‌های امنیتی مناسب باشد. بحران‌های غیرامنیتی از منظر کارکردی و ماهوی با بحران‌های امنیتی متفاوت هستند. به همین دلیل عملیات روانی به آن شکل و شیوه‌ای که مورد توجه نهادهای امنیتی (همچون وزارت اطلاعات و ...) در مواجه با بحران‌های امنیتی است نمی‌تواند مورد توجه پلیس در مدیریت و کنترل بحران‌های غیرامنیتی باشد. به همین دلیل است که شاید در بکارگیری و استفاده از تاکتیک‌های عملیات روانی بین کارکنان سطوح مختلف پلیس هماهنگی و اجماع وجود ندارد (24). عملیات روانی برای تحت‌تاثیر قرار دادن مخاطبان خارجی است پس اگر این گونه عملیات بخواهد در جامعه توسط پلیس

[Downloaded from www.ethicsjournal.ir on 2026-10-30]

[DOR: 20.1001.1.22517634.1397.13.1.2.4]

در بحران‌های اجتماعی همچون ازدحامات اعتراض‌آمیز بکارگیری شود ابهام و سئوالی که مطرح می‌شود این است آیا مخاطبان عملیات روانی می‌تواند، شهروندان و هموطنان ماموران پلیس باشند. چرا که منظور از عملیات روانی مواردی چون افشاگری، تفرقه، اعتراف‌گیری، انتشار شایعه، ارعاب و فریب است (25). اگرچه پلیس معمولا در قالب اثربخشی و کارایی خود و در راستای نتیجه‌گرایی اخلاقی به این مفهوم نگاه می‌کند ولی از منظر وظیفه‌شناسی اخلاقی یعنی استفاده از روش‌های عادلانه، بکارگیری عملیات روانی در عرصه مدیریت پلیسی در اجتماع سئوال‌برانگیز است. به همین دلیل پلیس می‌بایست تاکتیک‌ها و شیوه‌های عملیات روانی که در بحران‌های غیرامنیتی برای پلیس قابل استفاده است را مشخص کرده و با نگرش ترکیبی در هدف و وسیله که رویکرد اخلاق خنثی نیز نامیده می‌شود، این تاکتیک‌ها را مورد ملاحظه قرار داده و در صورت مناسب بودن در خط‌مشی‌های عملیات روانی پلیس منظور نماید.

ابهامات اخلاقی در عملیات پلیس مخفی (اطلاعاتی)

ادعا شده است که اطلاعات و اخلاق اساسا ناسازگار بوده و مفهوم اخلاق اطلاعاتی ترکیبی متضاد است، چراکه ملاحظات اخلاقی چون راستگویی، امانت‌داری و ... می‌تواند در عملیات پوششی و مخفی خلل ایجاد کرده و جلوی عملیات‌های مؤثر اطلاعاتی را بگیرد. اما باید به این نکته توجه داشت که پلیس اطلاعات نیز ملاحظات اخلاقی خاص خود را دارند و باید کارشان را انجام دهند (26). در صورتی که ضرورت عملیات اطلاعاتی از منظر حرفه‌ای به خوبی قابل توجیه باشد، مفهومی خنثی (نه خوب و نه بد) از منظر ارزش اخلاقی می‌توان برای آن در نظر گرفت. در سیره نبوی و روش حکومت‌داری حضرت علی (ع)، می‌توان کارایی موثر اسلام در ارائه راه‌حلی برای توجیه اخلاقی این گونه فعالیت‌های اطلاعاتی را نشان داد. در اسلام اصلی به نام اصل ضرورت وجود دارد. ضرورت، عبارت از موقعیتی است که در آن موقعیت شارع یا قانون‌گذار برای دفع ضرر اقوی، یا جلب مصلحت اقوی، اقدام به رفع ممنوعیت از بعضی از اعمال یا تجویز ارتکاب آن می‌کند. بنابراین، ضرورت در فقه اسلام یکی از عناوین ثانویه و موجب تغییر عنوان فعل از ممنوع به مباح است(27). این اصل اگرچه دارای منتقدانی است ولی منتقدان آن نیز در مواردی چون حفظ و نجات جان انسان آن را پذیرفته‌اند (28). با این استدلال استفاده از تاکتیک‌های پلیس مخفی[14] در ماموریت‌های مبارزه با جرائم سازمان‌یافته و یا مقابله با باندهای مافیایی تاحدودی پذیرفته شده است ولیکن ضرورت بهره‌گیری از تاکتیک‌های پلیس مخفی در مدیریت و کنترل ازدحامات اعتراض‌آمیز هنوز دارای ابهامات اخلاقی[15] است مواردی چون اقدامات پیشگیرانه پلیس برای جلوگیری از شکل‌گیری ازدحام که در برخی موارد به نوعی مکافات قبل از اقدام محسوب می‌شوند و یا استفاده از پلیس لباس شخصی در میان جمعیت معترض به منظور هدایت و سوق‌دهی ازدحام در مسیر دلخواه پلیس و ... . استدلال پلیس در استفاده از پلیس مخفی در ضرورت حفظ نظم به دلیل نگرانی از شکل‌گیری شرایط بحرانی است به این معنا که در صورت وقوع اغتشاش و یا ادامه ازدحام، شرایط جامعه به سمت وضعیت بحرانی پیش می‌رود. با این حال پلیس لازم است محدودیت‌های را مبتنی بر اصل تناسب و کارایی درنظر بگیرد به نحوی که استفاده از تاکتیک‌های پلیس مخفی به موقعیت‌های محدود شود که پلیس احساس می‌کند که شروع و یا ادامه ازدحام، امنیت عمومی را تهدید می‌کند و یا در مواردی که نظم و انضباط اجتماعی بشدت دچار آسیب می‌شود (29).

نتیجه‌گیری

در این مقاله ابهامات و چالش‌ها و راهکارهای اخلاقی پلیس در کنترل ازدحامات اعتراض‌آمیز از سه منظر نظری، قانونی و عملی مطالعه و بررسی شده است که به طور خلاصه در جدول شمارهٔ (2) نشان داده شده است. قابل ذکر است یکی از راه‌های ترویج اخلاق در سازمان تدوین خط‌مشی‌های اخلاقی است (30) و راهکارهایی که در جدول شمارهٔ (2) احصاء شده است می‌تواند به نوعی خط‌مشی‌های راهبردی برای سازمان پلیس در طرح‌ریزی‌ها و برنامه‌ریزی‌های عملیاتی باشد و یا اینکه در قالب گزاره‌های اخلاقی در اسناد اخلاقی پلیس مورد استفاده قرار گیرند.

[Downloaded from www.ethicsjournal.ir on 2026-10-30]

[DOR: 20.1001.1.22517634.1397.13.1.2.4]

جدول 2. چالش‌ها و راهکارهای اخلاقی پلیس در کنترل ازدحامات اعتراض‌آمیز

نوع ابهام	عنوان چالش و ابهام اخلاقی	راهکار
فلسفی- نظری	ازدحام‌کنندگان از دید جامعه عملی ضداخلاقی مرتکب نشده‌اند	تفاوت قائل شدن جرم ازدحام‌کنندگان از سایرمجرمین
	ابهام در مفهوم اخلاق‌مداری پلیس؛ لزوم رعایت ارزش‌ها و روش‌های اخلاقی یا الزام در توجه به نتایج و ملاحظات مبتنی بر تحقق آرمان‌ها	ترکیب دیدگاه نتیجه‌گرایی با دیدگاه روش‌های عادلانه
قانونی	ابهام در مسئولیت حرفه‌ای به دلیل الزام تبعیت پلیس از تصمیمات شوراهای تامین	اطلاع‌رسانی مواردی که پلیس در نحوه مقابله و کنترل، صرفا مجری تصمیمات نهادهای بالادستی بوده و در نتیجه انعکاس غیرمستقیم این مطلب که مسئولیت اخلاقی تصمیمات متوجه پلیس نیست.
مدیریتی - اجرایی	استفاده از زور در مقابل ازدحامات غیرخشونت‌آمیز	رویکرد مدارا و مماشات در مراحل اولیه و الگوی مرحله‌ای شدت عمل با رعایت اصل تناسب و حداقل زور لازم
	استفاده از تاکتیک‌های عملیات روانی مخصوص سازمان‌های نظامی و نهادهای امنیتی در مدیریت و کنترل اجتماع و شهروندان	طراحی تاکتیک‌های عملیات روانی مخصوص پلیس در انطباق با ماموریت و مسئولیت‌های حرفه‌ای این سازمان
	ابهام در ضرورت استفاده از تاکتیک‌های پلیس مخفی در مدیریت و کنترل ازدحامات اعتراض‌آمیز	استفاده از تاکتیک‌های پلیس مخفی در مواردی که ازدحام، تهدیدکننده امنیت عمومی و ایجاد کننده آسیب شدید به نظم اجتماعی باشد

همانطور که در جدول شمارهٔ (2) نشان داده شده است در بعد نظری دو چالش بیان شده است. چالش اول ناشی از تفاوتی است که مابین ازدحام‌کنندگان با سایر مجرمان از منظر مردم و جامعه وجود دارد؛ برای رفع این چالش، پلیس در مقام مجری قانون و با اتخاذ رویکرد جامعه‌محوری می‌بایست جرم ازدحام‌کنندگان از سایر مجرمین را متفاوت در نظر بگیرد. چالش دوم در بعد نظری به مباحث اصلی دیدگاه‌های فلسفی در مباحث هدف و یا وسیله برمی‌گردد که این دو نگاه، باعث تفاوت ماهوی اخلاق‌مداری در سازمان پلیس خواهد شد؛ به نظر می‌رسد دیدگاه ترکیبی راه‌حل اخلاق‌مدارانه برای این منظور است.

در بعد قانونی، برطبق دستورالعمل صادره از طرف شورای امنیت کشور، در وضعیت‌های بحرانی که قسم عظیم اغتشاشات و ازدحامات اعتراض‌آمیز در این وضعیت می‌گنجند، شوراهای تأمین با ریاست استاندار، فرماندار و بخشدار تصمیم‌گیر بوده و نیروی انتظامی نیز مؤظف است تا مصوبات آن را اجرا نماید؛ از این منظر مهمترین چالش این است که آیا نیروی انتظامی می‌تواند در انتخاب تاکتیک‌های مدیریتی در کنترل اغتشاشات و ازدحامات اعتراض‌آمیز تصمیم‌گیر باشد و یا خیر. اهمیت این موضوع در این است که اگر پلیس حتی در انتخاب تاکتیک‌ها موظف به تبعیت از تصمیمات شورا باشد، عملا پلیس به یک سازمان فاقد اختیار تبدیل می‌شود در این حالت مباحث مربوط به اخلاق‌مداری به دلیل فقدان اختیار در انتخاب، با ابهامات جدی روبه‌رو خواهد شد. راهکار رفع این چالش اطلاع‌رسانی مواردی است که پلیس تصمیم‌گیر نبوده و بر این اساس جامعه به این درک خواهند رسید که مسئولیت اخلاقی تصمیمات متوجه پلیس نیست.

در بعد مدیریتی و اجرایی سه چالش مطرح شده است. چالش اول توسل به زور در مقابل تظاهرات و ازدحامات غیرخشونت‌آمیز است؛ استفاده آشکارا از زور، مشروعیت و مقبولیت عملکرد پلیس را با ابهام و سؤال‌های جدی روبرو می‌کند. پلیس به همین منظور در واکنش به برخی از تظاهرات و ازدحامات رویکرد مدارا و مماشات را در پی می‌گیرد و اینکه اگر برخورد و مقابله در دستور کار قرار گیرد الگوی مرحله‌ای شدت عمل اقدامات قهری و نیز اصل تناسب با رعایت حداقل زور لازم را مورد توجه قرار می‌دهد. چالش دوم استفاده از عملیات روانی در کنترل و مدیریت ازدحامات اعتراض‌آمیز است. عملیات روانی به این دلیل که از عرصه جنگ و نیروهای نظامی و بعضا نهادهای امنیتی وارد عرصه مدیریت پلیسی در اجتماع شده است در برخی موارد تاکتیک‌های آن برای مدیریت در اجتماع مناسب نیست مواردی چون افشاگری، تفرقه، اعتراف‌گیری، انتشار شایعه، ارعاب و فریب از منظر اخلاقی دارای ابهاماتی است که می‌تواند چهره پلیس را در بلندمدت و با مشخص شدن استفاده از چنین شیوه‌های خدشه‌دار کند؛ به همین دلیل پلیس لازم است تا نسبت به طراحی تاکتیک‌های عملیات روانی مختص خود در

[Downloaded from www.ethicsjournal.ir on 2026-10-30]

[DOR: 20.1001.1.22517634.1397.13.1.2.4]

انطباق با ماموریت و مسئولیت‌های حرفه‌ای خود اقدام نماید. چالش سوم بکارگیری تاکتیک‌های پلیس مخفی به منظور مدیریت و کنترل ازدحامات اعتراض‌آمیز است. به این دلیل که در شیوه‌های مخفیانه پلیس معمولا ملاحظات اخلاقی جایگاهی ندارد لازم است استفاده از پلیس مخفی مبتنی‌بر اصل اضطرار، در اجرای بهینه مأموریت ضرورت داشته باشد. به همین دلیل در استدلال بکارگیری شیوه‌های مخفیانه پلیس بیان شده است که در اغتشاشات و ازدحامات اعتراض‌آمیز در مواردی که ازدحام، امنیت عمومی را تهدید می‌کند و یا در مواردی که نظم و امنیت به‌شدت دچار آسیب می‌شود، استفاده از تاکتیک‌های پلیس مخفی برای حفظ نظم و امنیت ضرورت دارد.

ملاحظه‌های اخلاقی

در این پژوهش با معرفی منابع مورد استفاده، اصل اخلاقی امانت‌داری علمی رعایت و حق معنوی مؤلفین آثار محترم شمرده شده است.

واژنامه

1. Ethics	اخلاق
2. Crowds Protest	ازدحامات اعتراض آمیز
3. Public Discipline	نظم عمومی
4. Ethical Values	ارزش های اخلاقی
5. Control & Opposition Approaches	رویکردهای کنترل و مقابله
6. Premier Goals View	دیدگاه آرمان برتر
7. Consequentialism	نتیجه‌گرایی
8. Zero Tolerance Policing	رویکرد حد صفر پلیس
9. Violent Reactions	واکنش‌های خشونت طلبانه
10. Task-Oriented	وظیفه‌گرا
11. Social & Security Crisis	بحران‌های اجتماعی – امنیتی
12. Psychological Operations	عملیات روانی
13. Prevention	پیشگیری
14. Secret Police	پلیس مخفی
15. Ethical Ambiguity	ابهامات اخلاقی

Reference

1. Abdi T. (2004). Analysis of socialism approach. Quarterly of Disciplinary Knowledge; 6(4): 13-28. (In Persian).
2. Karimi Khozani A. (2007). Editing of ethical principles in police staff. Quarterly of Disciplinary Knowledge; 9(3): 96-111. (In Persian).
3. McCartney S, Parent R. (2015). Ethics in law enforcement. Victoria/British Columbia: BCcampus.
4. Bosliky H. (2016). Impact of driving law and Police behavior in ethical development. Quarterly of Ethical Research; 24: 21-42 (In Persian).
5. Salehi Amiri SR, Karimi Khozani A. (2007). Role of social ethics on public & social secure. Ethics in Science & Technology; 11(1): 11-18. (In Persian).
6. Lishman F, Barry L, Savij S. (2007). Police work and it s vital challenges. Translated by: Shakery H. Tehran: Publication of NAJA Research & Study Organization. (In Persian).
7. Crank P, Caldero MA. (2011). Police ethics. Translated by: Dargahi R. (2013). Tehran: Alamat Publication. (In Persian).
8. Meese E, Ortmayer PG. (2004). Leadership, ethics and policing: challenges for the 21st century. Translated by: Shakery H. (2006). Tehran: Publication of NAJA Researches & Studies Organization. (In Persian).
9. Jones M. (2012). Do ethical information is paradox? In: Goldman J. Espionage professional ethics. Translated by: Shahsavary M, Asgarkhani B, Saadat A. Tehran: Practical Research Center of Public Information & Security of Police. (In Persian).
10. Atrak H. (2010). Ethical deontology. Ethics in Science & Technology; 5(1): 27-35. (In Persian).
11. Prenzler T. (2009). Police corruption: preventing misconduct and maintaining integrity. Translated by: Mohammadi A. (2012). Tehran: Practical Research Center of NAJA. (In Persian).
12. Delavarpoor M. (2009). Shortcomings of legislation & operating of NAJA in security structure of Iran. Tehran: Research Center of Islamic Consultative Assembly. Pp. 41-75. (In Persian).

[Downloaded from www.ethicsjournal.ir on 2026-10-30]

[DOR: 20.1001.1.22517634.1397.13.1.2.4]

13. Aghakhani SN. (2008). Crisis and its characteristics. Quarterly of Disciplinary Thought & Border; 2(3): 63-72. (In Persian).

14. Gharghani Afshar A. (2008). Organization & duties of special units. Tehran: Disciplinary Science University. (In Persian).

15. Zangi H. (2012). Role of supply councils in NAJA missions. Quarterly of Social Disciplinary Research; 4(2): 140-158. (In Persian).

16. Scientific Group of Special Operation. (2010). Disciplines related with Ygop NAJA missions. Tehran: Center of Education in NAJA. (In Persian).

17. Azizabadi Farahani F, Karimi Khzani A. (2016). Reinforcement of Feminine cultural values in Management of Confusions (focused by sociocentrism approach). Woman Police Studies; (25): 18-32. (In Persian).

18. DeRay M, Sinyangwe S, Elize J, Packnett B. (2016). Police use of force policy analysis. USA: Campaign Zero Planning.

19. Del Bayle L, Louis J. (2006). Police et plitique: une approche sociologique. Translated by: Kosary V. (2014). Tehran: NAJA Researches & Studies Organization. (In Persian).

20. Fielding N. (2005). The police & social conflict. Translated by: Usefi S. (2011). Tehran: NAJA Researches & Studies Organization. (In Persian).

21. Vedington D, Jabard F, King M. (2009). Rioting in the UK and France: a comparative analysis. Translated by: Fatemi-Movahed H. (2016). Tehran: Amin Disciplinary Sciences University. (In Persian).

22. Bahmanyari O, Rafati-asl SA. (2006). Mental operation & its impact on urban conflicts. Quarterly of Special Police Studies; (0): 54-84. (In Persian).

23. Kasaii R. (2010). Exploit of mental operation for crisis control. Quarterly of Protecting & Security; 5(15): 83-125. (In Persian).

24. Mahmmodi AR. (2009). Methods of remonstrant public actions. In: Elyasi MH, Moradi H. ed. Confusion, riot and mental operation. Tehran: Zard Publication. Pp. 245-288. (In Persian).

25. Ahmadi MH, Alvand M, Shamsaii M. (2013). Relation between Social education & urban disquiet. Quarterly of Human Resources Management & Development; 8(29): 27-54. (In Persian).

26. Hans B, Vilse A. (2012). Exceed of paradox structure: assessment of ethics by information cycle. In: Goldman J. Espionage professional ethics. Translated by: Shahsavary M, Asgarkhani B, Saadat A. Tehran: Practical Research Center of Public Information & Security of Police. (In Persian).

27. Ayargar H, Safari Kakroudi A. (2009). Foundomantal role of necessity in police missions. Quarterly of Danesh – Entezami Researchs; 1(42): 184-217. (In Persian).

28. Mofateh MH. (2016). Most important & important role & justification unethical theory. Qurterly of Ethics Researches; 6(3): 145-164. (In Persian).

29. Fij-Nat SP, Marx GT. (2003). Police surveillance in comparative perspective. Translated by: Center of NAJA Researches. Tehran: Center of NAJA Researches Publication. (In Persian).

30. Hassanpoor A, Abasi T, Hadipour A. (2017). Identifying and prioritizing methods of ethics institutionalization within organization. Ethics in Science & Technology; 12(1): 17-23. (In Persian).

[Downloaded from www.ethicsjournal.ir on 2026-10-30]

[DOR: 20.1001.1.22517634.1397.13.1.2.4]